

رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از بی احتیاطی؛ نگاهی تطبیقی به حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان

قاسم خادم رضوی* - الیاس نوعی** - آزاده مهرپویان***

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۶)

چکیده

رابطه سببیت در حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان، بویژه در مسئولیت ناشی از بی احتیاطی، از جایگاه قابل توجهی برخوردار است. تفاوت حقوق ایران، به عنوان نظامی از خانواده حقوقی رومی-ژرمنی با انگلستان، به عنوان نظامی از جنس کامن‌لا، یافتن یک دیدگاه واحد برای بررسی سببیت را دشوار می‌کند، اما به معنای غیر ممکن بودن آن نیست. بررسی تطبیقی سببیت در حقوق دو کشور، مستلزم تفکیک بحث در دو بخش اصلی با عناوین «مسئول معین» و «مسئول مجمل» است که پس از بخشی با عنوان «جایگاه سببیت» قرار می‌گیرند. در بحث «مسئول معین» حالتی بررسی می‌شود که می‌توان با تکیه بر معیارهای موجود، به تعیین مسئول حادثه پرداخت و ذیل عنوان «مسئول مجمل (یا مردد)»، وضعیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که وجود رابطه سببیت با یکی از چند عامل معین و موجود، قطعی است اما تشخیص عامل اصلی امکان ندارد. در پایان، باید گفت بدلیل مشابهت‌های قابل توجهی که در حقوق دو کشور وجود دارد، می‌توان حقوق انگلستان و راهکارهای آن را الگویی برای حقوق ایران قرار داد و قضاوت می‌تواند در مواردی که راهکاری در حقوق ایران ارائه نشده یا راهکارهای موجود با شرایط دعوی سازگار به نظر نمی‌رسد، از معیارهای مطروحه در حقوق انگلستان بهره ببرند.

واژگان کلیدی: سببیت، مسئولیت، زیان دیده، عامل ورود زیان، خسارت

* دکترای حقوق تجارت بین الملل، عضو هیات علمی دانشگاه علوم قضایی

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. (نویسنده مسئول)

elyas.noee@gmail.com

*** دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، گروه ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

Dr.mehrpooyan@gmail.com

مقدمه

اغلب مسئولیت‌هایی که برای جبران خسارت بوجود می‌آید، از مصادیق مسئولیت بدون تقصیر (Strict liability) نیست. علاوه بر این، ایراد عمدی خسارت (Intentional Torts) نیز در مقایسه با ایراد غیر عمدی، میزان قابل توجهی از دعاوی مسئولیت مدنی را به خود اختصاص نمی‌دهد. بنابراین بیشتر دعاوی مسئولیت مدنی حول محور بی‌احتیاطی (Negligence) و ایراد غیر عمدی خسارت، می‌گردد. همین امر باعث می‌شود، پرداختن به بی‌احتیاطی و مسئولیت ناشی از آن، در مقایسه با مسئولیت بدون تقصیر و مسئولیت ناشی از عمد، ضرورت بیشتری پیدا کند.

در بسیاری از موارد که مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی تحقق پیدا می‌کند، شناخت عامل یا عوامل دخیل در ورود زیان، امری دشوار و غیر ممکن نیست و می‌توان عوامل تأثیرگذار در حادثه زیان‌بار را تعیین نمود. دشواری از زمانی آغاز می‌شود که در صدد تعیین مسئول حادثه برآییم. یعنی در صدد پاسخ به این سوال باشیم که آیا بین عامل یا عوامل دخیل در حادثه با زیان وارده، رابطه سببیت برقرار است یا خیر؟ کدامیک از عوامل دخیل، مسئول وقوع حادثه محسوب می‌شود؟ در صورت دخالت چند عامل در وقوع حادثه، رابطه سببیت با همه آنان برقرار است یا یکی از آنان؟ پاسخ به این سوال و سوالاتی از این قبیل است که بحث را به سوی «سببیت» سوق می‌دهد.

مفهوم سببیت با ابهاماتی روبروست (Hylton, 2013, "Causation in Tort Law: A Reconsideration, p. 1) و بهترین جایگاه تعیق در آن، حقوق مسئولیت مدنی است (Meier, 2011, 106). با نگاهی اجمالی به اختلاف نظر حقوق دانان و قضات دو کشور در حقوق مسئولیت مدنی درمی‌یابیم که مفهوم سببیت و پیچیدگی‌های آن در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مبتلا به هستند. این پیچیدگی و ابهام تا بدانجا پیش رفته که نه ایران (به عنوان نظامی که قانون‌گذاری و قاعده‌سازی را مرجح می‌شمارد) و نه انگلستان (به عنوان نظامی که بر آراء قضایی و «حقوق موردی» (Case Law) تکیه دارد)، نتوانسته‌اند با رضایت کامل از سد این مانع حقوقی گذشته و به راه حلی دست پیدا کنند که مورد اجماع همگان باشد.

پیچیدگی و کاربردی بودن مباحث مربوط به سببیت در دو کشور، از مهم‌ترین عواملی است که باعث نگارش این مقاله شد. علاوه بر این، کم سابقه و شاید بی سابقه بودن بررسی تطبیقی سببیت در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، که به ترتیب از خانواده حقوقی سیویل لا و کامن لا

هستند، باعث شد تمایل بیشتری برای پرداختن به این بحث ایجاد شود. کم سابقه بودن این قبیل مطالعات از آن جهت است که حقوق دانان ایران بدلیل ریشه داشتن حقوق این کشور در شریعت و اقتباس آن از حقوق فرانسه، غالباً گرایش کمتری به بررسی تطبیقی این موضوع با حقوق کامن لا و انگلستان از خود نشان داده اند. تقریباً در تمامی کتب حقوق دانان برجسته ایران و بسیاری از مقالاتی که در این زمینه به رشته تحریر در آمده، اثری از بررسی تطبیقی موضوعات با حقوق اسلامی یا حقوق فرانسه به چشم می خورد، اما اندک است آثاری که در این مورد بر مقایسه حقوق ایران و انگلستان تمرکز نموده باشد.

پیش از ورود به بحث این فرضیه مطرح می شود که با توجه به تفاوت های موجود در حقوق کامن لا و سیویل لا، بویژه در حقوق مسئولیت مدنی، شباهتی در این زمینه بین حقوق دو کشور وجود ندارد و نمی توان نقطه اشتراکی بین این دو نظام حقوقی پیدا کرد. تایید و رد این فرضیه را باید به نتیجه ی مقاله سپرد.

در این مقاله تلاش بر آن است با نگاهی تطبیقی به حقوق ایران و انگلستان و با کنار گذاشتن تفاوت های موجود در جایگاه و نحوه ی طرح مساله در حقوق دو کشور، از منظری واحد به بحث سببیت و انتساب مسئولیت نگریسته شود. از این رو این موضوع در سه بخش مورد بررسی قرار می گیرد. ابتدا، به طور مختصر جایگاه بی احتیاطی در مسئولیت مدنی و جایگاه سببیت در بی احتیاطی را مورد توجه قرار می دهد. سپس به مواردی می پردازد که می توان با تکیه بر معیارهای موجود وجود رابطه سببیت و در نتیجه مسئول یا مسئولین حادثه را تعیین نمود. در قسمت اول از این بخش حالتی مورد مطالعه قرار می گیرد که تنها یک عامل در حادثه دخالت داشته و هدف آن است که دریابیم آیا بین نقش عامل مذکور و خسارات وارده رابطه سببیت برقرار است یا خیر. در قسمت دوم نیز موردی مد نظر قرار می گیرد که چند عامل در حادثه دخالت داشته اند، اما از میان آنها تنها عمل یک عامل با زیان های وارده رابطه سببیت دارد و می توان آن عامل را، با تکیه بر معیارهای موجود، از سایر عوامل دخیل تمیز داد. در نهایت حالتی مورد توجه است که در آن قطعاً بین یکی از چند عامل دخیل در وقوع حادثه با خسارات وارده رابطه سببیت وجود دارد، اما نمی توان به هیچ وجه عامل مذکور را از سایر عوامل بازشناخت.

۱- جایگاه بحث

پیش از ورود به بحث اصلی لازم است مختصری از قواعد کلی حقوق مسئولیت مدنی ایران و انگلستان مورد بررسی قرار بگیرد تا ابتدا جایگاه بی احتیاطی در قواعد کلی مسئولیت مدنی

مشخص گردد و سپس جایگاه سببیت در بی‌احتیاطی روشن شود

۱-۱. جایگاه بی‌احتیاطی در مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی یا از نوع مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و یا مسئولیت بدون تقصیر. در حقوق انگلستان مسئولیتی که از عمد و بی‌احتیاطی ناشی شده باشد، تحت عنوان مسئولیت مبتنی بر تقصیر (Fault-based Liability) بررسی می‌گردد. مسئولیت بدون تقصیر نیز در مواردی مطرح می‌شود که صرف ورود زیان، موجب مسئولیت می‌شود، صرف نظر از اینکه عمل وارد کننده ی زیان، عمدی یا ناشی از بی‌احتیاطی باشد. لازم به ذکر است که مصادیق این نوع مسئولیت در حقوق مسئولیت مدنی محدود است (Cooke, 2010, p.12).

در حقوق مسئولیت مدنی ایران نیز واژه تقصیر معنایی عام دارد که هم در صورت بی‌احتیاطی یک شخص و هم در صورت عمد او در ورود زیان تحقق می‌یابد. بر همین اساس قواعد کلی مسئولیت مدنی ایران همانند انگلستان در دو دسته کلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و مسئولیت بدون تقصیر قرار می‌گیرند که نوع اخیر مسئولیت، بدون توجه به وجود یا عدم وجود تقصیر تحقق می‌یابد. هر چند قواعد کلی مسئولیت مدنی ایران و انگلستان تقریباً یکسان است، اما در حقوق ایران بر خلاف انگلستان، به ندرت مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی به طور مستقل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر در حقوق ایران مسئولیت مبتنی بر تقصیر را، صرف نظر از عمدی یا ناشی از بی‌احتیاطی بودن عمل وارد کننده زیان، مورد بررسی قرار می‌دهند.

۲-۱. جایگاه سببیت در بی‌احتیاطی

حال که جایگاه بی‌احتیاطی در حقوق مسئولیت مدنی دو کشور روشن شد، لازم است جایگاه سببیت در بی‌احتیاطی نیز روشن شود. در حقوق انگلستان برای تحقق مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی لازم است اولاً تکلیفی برای رعایت احتیاط و مراقبت وجود داشته باشد (Duty of Care)، ثانیاً تکلیف مذکور نقض شود (Breach of Duty) و ثالثاً از نقض تکلیف، خسارتی پدید آید (Damage). در بررسی سومین شرط تحقق مسئولیت ناشی از بی‌احتیاطی یعنی ورود خسارت، دو بحث مهم مطرح می‌شود که اولی به «سببیت» (Causation) و دومی به «شرایط زیان» (Remoteness of Damage) اختصاص می‌یابد.

اما همان طور که اشاره شد، در بررسی قواعد کلی حقوق مسئولیت مدنی ایران، بی احتیاطی به طور مستقل مورد بررسی قرار نمی گیرد. در نتیجه همان شرایطی که برای تحقق مسئولیت مدنی (اعم از مسئولیت مبتنی بر تقصیر یا بدون تقصیر) مطرح می شود، به مسئولیت ناشی از بی احتیاطی هم تسری پیدا می کند. بنابراین شرایط تحقق مسئولیت مدنی (و به تبع آن مسئولیت ناشی از بی احتیاطی) در حقوق ایران از این قرار است: اول وجود فعل زیانبار، دوم ورود خسارت و سوم وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و خسارات وارده. از این رو در حقوق ایران جایگاه سببیت در مسئولیت ناشی از بی احتیاطی، متفاوت از جایگاه آن در مسئولیت ناشی ایراد عمدی خسارت یا مسئولیت بدون تقصیر نیست و به طور مستقل مورد بررسی قرار نمی گیرد. اکنون که جایگاه سببیت در حقوق دو کشور تبیین شد، لازم است وارد مباحث اصلی شده و مفهوم و کاربرد سببیت در حالات مختلف را مورد بررسی قرار دهیم. همان طور که پیشتر آمد، ابتدا سببیت در مواردی که قابلیت تعیین سبب مسئول حادثه وجود دارد و سپس در مواردی که تشخیص آن از میان چند عامل دخیل در حادثه ممکن نیست، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- سببیت و مسئول معین (قابل تعیین)

حقوق ایران و انگلستان در این زمینه معیارهایی بکار برده اند که با تکیه بر آنان می توان رابطه سببیت را با یک یا چند مورد از عوامل دخیل موجود دانست و در نتیجه عامل یا عوامل دخیل را مسئول حادثه معرفی کرد. در ذیل به بررسی این معیارها خواهیم پرداخت. این بحث در دو گفتار «دخالت یک عامل» و «دخالت چند عامل» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. دخالت یک عامل

به ندرت می توان حالتی را تصور کرد که تنها یک عامل، در ورود حادثه دخالت داشته باشد، زیرا پیچیدگی حیات اجتماعی و وابستگی وقایع روزمره، باعث می شود عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، قهری، ارادی و ... در وقوع یک حادثه دخالت پیدا کنند. اما از این بین عواملی را باید مورد بررسی قرار داد که از نظر حقوق، نقشی قابل موثر در ورود خسارت داشته باشند، بطوری که یک شخص معقول و متعارف در اجتماع، آن عامل را در ایجاد واقعه دخیل بداند. بنابراین منظور از دخالت یک عامل، این است که دادگاه دخالت سایر

عوامل را از نظر یک شخص معقول (Reasonable Person)، قابل چشم پوشی بدانند. اکنون مساله این است که آیا تنها عامل دخیل در حادثه را می‌توان سبب اصلی ورود خسارت دانست یا خیر؟

۲-۱-۱. حقوق ایران

هرگاه در حادثه زیان‌بار، تنها یک عامل دخالت نموده باشد، عامل مذکور را در صورتی می‌توان مقصر و مسئول خسارات وارده تشخیص داد که رابطه «سببیت عرفی» بین آن عامل و زیان‌های حاصله برقرار باشد. سببیت عرفی به این معناست که بتوان گفت اگر عامل مورد نظر در حادثه دخالت نمی‌نمود، حادثه زیان‌بار به وقوع نمی‌پیوست. بنابراین، اگر دخالت یک عامل سبب ایجاد خسارت گردد و حذف آن مستلزم عدم وقوع خسارت باشد، می‌توان گفت سببیت عرفی بین عامل مذکور با زیان‌های وارده وجود دارد و مسئولیت جبران خسارت به عهده عامل مذکور است. برای مثال اگر شخصی با رعایت احتیاط کامل در حال عبور از کوچه‌ای باشد و ناگهان وسیله‌ای سنگین از دست شخص دیگری که در بالکن منزل خود مشغول کار با ابزار و وسایل برقی است، رها شود و پس از برخورد با عابر، صدماتی به او وارد نماید می‌توان گفت نتیجه حذف بی‌احتیاطی شخص وارد کننده زیان، عدم ورود صدمه به عابر پیاده است. بنابراین، از آنجا که بین عمل مرتکب بی‌احتیاطی (که تنها عامل دخیل در وقوع حادثه است) و ورود صدمات، رابطه سببیت عرفی برقرار شده، مسئولیت جبران خسارت نیز به عهده شخصی می‌باشد که در بالکن مشغول به کار بوده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱/ ۴۳۵؛ میرشکاری، ۱۳۸۹، ص ۷۸).

۲-۱-۲. حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان اگر تنها یک عامل در حادثه دخالت نموده باشد، بررسی مسئولیت یا عدم مسئولیت آن عامل منوط به بکارگیری معیار «مگر با» (But-for test) است، تا بدین طریق وجود ارتباط بین تقصیر خواننده و خساراتی که به ادعای خواهان، ناشی از تقصیر خواننده است تایید شود (Knutsen, 2009, p.158). اگر بتوان گفت، صدمات و خسارات وارده، حاصل نمی‌شد مگر با دخالت خواننده، در این صورت خواننده، سبب حادثه شناخته شده و جبران خساراتی را که ناشی از عدم رعایت احتیاط متعارف و معقول اوست به عهده خواهد داشت (Stephenson, 2000, 137; Cooke, op.cit, p.159). با وجود انتقاداتی که در برخی آراء

(Chester v. Afshar [2004] UKHL 41) به معیار مذکور وارد شده هنوز هم دادگاه های انگلستان، کانادا (Hansen, 2011, 774) و ... در مواردی که بیش از یک عامل در حادثه دخالت نداشته باشد، این معیار را بکار می بندند (Harpwood, 2009, p.162).

برای مثال در سال ۲۰۰۷ دعوایی مطرح شد که در آن خواهان، پس از فوت همسر بیست ساله خویش، علیه بیمارستانی که همسرش در آنجا مورد معاینه قرار گرفته بود، اقامه دعوی نمود. همسر خواهان بدلیل سردردهای شدید صبحگاهی برای درمان به بیمارستان مراجعه نمود. پزشکان بیمارستان، بدون معاینه و درمان کافی، اقدام به مرخص کردن او نمودند و روز بعد بیمار در اثر وخامت اوضاع جان باخت. شوهر متوفی معاینه و درمان ناکافی کادر پزشکی را به عنوان سبب حادثه مطرح نمود و بیمارستان را مسئول فوت همسرش دانست. دادگاه با بررسی شواهد و قرائن بدین نتیجه رسید که دقت بیشتر پزشکان معالج می توانست از مرگ بیمار جلوگیری کند و در نتیجه با مسئول شناختن بیمارستان خواهان را محق دانست (Carter v. Basildon & Thurrock [2007] EWHC 1882 (QB)).

۲-۱-۳. یافته‌ها

همان طور که مشاهده می شود، تقریباً تفاوتی در این زمینه بین حقوق ایران و انگلستان وجود ندارد و اولین اقدام قضات ایران و انگلستان، شناخت عاملی است که حذف آن باعث عدم وقوع خسارت و وجود آن باعث ورود خسارت خواهد بود. یکی از شباهت‌هایی که بین حقوق ایران و انگلستان وجود دارد این است که دست قضات ایران در این مورد (بر خلاف مواردی که چند عامل در ورود خسارت دخالت داشته باشند) اعم از اینکه سبب اصلی قابل تعیین باشد یا نباشد) برای تشخیص سبب حادثه و توجه به اوضاع و احوال خاص هر دعوی و مصلحت اندیشی بسیار بازتر است، زیرا قانون گذار محدودیت زیادی را برای قاضی در این زمینه در نظر نگرفته است.

۲-۲. دخالت چند عامل

پیشرفت تکنولوژی در دنیای مدرن، تحولاتی را در حقوق مسئولیت مدنی و تحقق خطاهای مدنی ایجاد کرده است که باعث شده موقعیت‌هایی که در آن، زیان دیده در مقابل وارد کننده زیان وجود داشت، جای خود را به موقعیت‌هایی بدهد که در آن، عوامل متعدد در برابر زیان دیدگان متعدد قرار می گیرند (Halbersberg, 2013, p. 2). رابطه سببیت در این موقعیت‌ها تحت

عنوان «دخالت چند عامل» بررسی خواهد شد. «دخالت چند عامل» زمانی مطرح می‌شود که بتوان با تکیه بر معیارهای موجود از میان عوامل مختلفی که دخالت آنان مورد تایید حقوق بوده و هر شخص متعارف و معقولی ممکن است دخالت هر کدام از آنان را معقول بشناسد، به تعیین مسئول یا مسئولین حادثه پرداخت.

لازم به ذکر است حقوق دانان ایران نظرات مختلفی را برای تعیین سبب مسئول در این موارد ارائه نموده‌اند. وجه اشتراک نظرات مذکور این است که در تمامی آنان، یک معیار را می‌توان برای تمامی حالات مختلف بکار بست. برخی، سبب متعارف و اصلی را مسئول خسارات وارده به زیان دیده می‌شناسند و مسئولیت را به او منتسب می‌دانند (کاتوزیان، پیشین، ۴۷۱؛ صفایی، رحیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۸). این در حالیست که عده‌ای دیگر، بار مسئولیت را بر دوش سبب نزدیک و بی واسطه می‌نهند (امامی، ۱۳۹۱، ج ۱/۶۰۶؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱). گروهی نیز برای هیچ یک از نظریات مطروحه اصالتی قائل نشده و «عدوان عرفی» را پایه و اساس تشخیص سبب مسئول می‌شناسند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳؛ یزدانیان، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲). هر چند عقیده گروه اول با عدالت سازگارتر به نظر می‌رسد، اما از آن جا که این دیدگاه نیز مانند دیگر نظریات مطروحه در این زمینه، معیاری دقیق و روشن برای تشخیص رابطه سببیت در حالات مختلف به دست نمی‌دهد، لازم است حالات ممکن، به دقت مطرح شود تا مشخص گردد در هر حالت، کدام یک از عوامل دخیل را باید سبب متعارف و اصلی دانست.

در حقوق انگلستان نیز در موردی که بیش از یک عامل در ورود خسارت دخالت داشته باشد، دادگاه‌های انگلستان روش‌های متفاوتی را برای تعیین مسئول و سبب اصلی حادثه در پیش می‌گیرند که باعث شده نتوان نتیجه قطعی دعوی را پیش بینی نمود. با این وصف برخی روش‌ها از کاربرد و اعتبار بیشتری در این زمینه برخوردارند که در ذیل به چند مورد از مهمترین معیارهایی که برای تشخیص مسئول سبب حادثه بکار گرفته می‌شود پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که این معیارها در راستای معیار «مگر با» نبوده و حتی استثنایی بر آن محسوب می‌شوند (Crowne and Ha-Redeye, 2012, 2). البته در این مورد مهم‌ترین معیارهایی که در حقوق آمریکا و کانادا کاربرد دارند به ترتیب عبارتند از «عامل اصلی وقوع خسارت» (Substantial Factor) و «مشارکت اساسی در وقوع خسارت» (Material contribution). معیار اخیر الذکر از سال ۲۰۰۷، در پی رای صادره از دیوان عالی کشور کانادا در پرونده (Resurface Corp. v. Hanke [2007] 1 SCR 333)، نمود بیشتری در حقوق این کشور پیدا کرد. ((Stapleton, 2011, 5; Collins, 2011, 86.))

۲-۱. استقلال عوامل

استقلال در بحث سببیت به معنای وجود رابطه سببیت مستقل بین فعل یا ترک فعل هر یک از عوامل دخیل، با خسارات وارده است. به عبارت دیگر، هر یک از عوامل می‌توانند مستقلاً باعث ورود زیان شوند. بنابراین، در این مورد یک خسارت به بار آمده است، اما عوامل مختلفی را می‌توان به صورت مستقل سبب ورود همان خسارت دانست.

۲-۱-۱. ایران

در حقوق ایران بسته به اینکه عوامل مستقلی که باعث ورود زیان شده‌اند، مسبب یا مباشر باشند، دو حالت مختلف متصور است. با این وجود قانون‌گذار در هر دو حالت، رابطه سببیت را با هر دو عامل برقرار و در نتیجه هر دو را مسئول می‌شناسد.

حالت اول: دخالت مسبب و مباشر مستقل: زمانی که شخصی به عنوان مسبب حادثه با انجام یک فعل یا ترک فعل، زمینه ساز فعل زیان‌بار شخص مباشر شده یا زمانی که شخصی مباشر حادثه ای است و دیگری بدلیل ترک وظیفه علت عرفی و مستقل همان حادثه محسوب می‌گردد، بین حادثه زیان‌بار با هر یک از عوامل رابطه سببیت مستقلی برقرار است. بنابراین، مسئولان حادثه به‌طور تضامنی مسئول جبران خسارات وارده به زیان دیده خواهند بود. این حکم را می‌توان از ماده ۶۷۳ قانون مدنی نیز دریافت. علاوه بر این مدلول ماده ۳۳۲ قانون مدنی مانع از آن نیست که اگر انتساب اضرار به هر دو عرفاً صحیح باشد، هر دو متضامناً در برابر زیان دیده مسئول باشند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، حاشیه ماده ۳۳۲ قانون مدنی؛ همان، بند ۲ ماده ۱۱۱۴ طرح اصلاح قانون مدنی). به عنوان مثال، اگر شخصی مسئولیت نگهداری از مالی را بر عهده داشته باشد و در انجام وظیفه خود کوتاهی نماید و در همین حین شخص دیگری مال را تلف کند، حادثه زیان‌بار به هر یک از اشخاص مذکور به نحو مستقل انتساب می‌یابد و هر یک دارای مسئولیت تضامنی و کامل در جبران خسارت خواهد بود (عباسلو، ۱۳۹۰، ۹۱-۹۶؛ همان، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷). یا «اگر کسی در خانه دیگری را گشاده بگذارد و دزدی با استفاده از این وضع، وارد خانه شده و سرقت کند آنکه در را باز گذارده مرتکب تسبیب شده و ضمان او تسبیب است ولی ضمان سارق، ضمان ید است». (جعفری لنگرودی، پیشین، ماده ۵۹۱ طرح اصلاح قانون مدنی)

حالت دوم: دخالت چند مسبب مستقل: زمانی که چند شخص به‌طور مستقل و جدای از یکدیگر، با انجام فعل یا ترک فعل، زمینه‌ساز عرفی حادثه زیان‌بار می‌شوند، با توجه به اینکه هر

یک از عواملان عرفاً علت تامه و مستقل خسارات محسوب می‌شود، باید قائل به مسئولیت تضامنی آنان گردید زیرا بین عمل هر یک از آنان و تنها خسارت وارده به زیان دیده، رابطه سببیت برقرار است. به عنوان نمونه، در حالتی که شخصی اقدام به انجام عملی غیرمجاز نموده و شخص دیگری که به عنوان ناظر بر عمل مذکور است در وظیفه خود کوتاهی نماید، اگر زیانی به بار بیاید، به هر دو عامل انتساب می‌یابد و در نتیجه مسئولیت آنان در جبران خسارات تضامنی و کامل است (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳). این حکم را می‌توان بدین نحو از ماده ۵۲۴ ق.م.ا. برداشت نمود، اگر شخصی که سوار حیوان است، حیوان را در محل غیر مجازی تلف کند و سپس مهار حیوان را به دست دیگری بسپارد، هر یک از دو شخص مذکور مستقلاً مسئول خساراتی است که آن حیوان وارد می‌کند.

۲-۲-۱-۲. انگلستان

در حقوق انگلستان در مواردی که بتوان خسارات وارده را با توجه به رابطه سببیت به‌طور مستقل به چند عامل منتسب دانست، بسته به شرایط و اوضاع و احوال دعوا، ممکن است معیارهای مختلفی برای شناخت سبب و مسئول بکار گرفته شود.

معیار اول «افزایش قابل توجه خطر وقوع خسارت» (Materially-increased risk approach): در مواردی که چند عامل در وقوع خسارت به زیان دیده دخالت داشته باشند و یک عامل به هر طریقی باعث افزایش خطر ورود زیان یا احتمال وقوع آن شده باشد مسئولیت به همان عامل انتساب پیدا می‌کند. یعنی زمانی که هر یک از عوامل دخیل، توانایی ایراد خسارت را دارد اما بی احتیاطی خواننده به‌طور قابل توجهی بر احتمال ایجاد رابطه سببیت می‌افزاید، یک رابطه سببیت قوی بین تفصیر خواننده و ورود خسارت ایجاد می‌شود که نتیجه آن محکومیت عامل مذکور به جبران خسارت است. به عنوان مثال، در پرونده «مک گئی علیه نشنال کول برد» (1 WLR 1 [1973] McGhee v. National Coal Board) کارگر یک کارخانه (خواهان دعوی) دچار بیماری پوستی شد. شواهد نشان می‌داد که بیماری خواهان از تماس مداوم او با گرد و غباری ناشی شده است که در محل کار روی پوست او می‌نشست. بدلیل عدم وجود امکانات لازم برای استحمام پس از کار، این گرد و غبار تا لحظه رسیدن به منزل روی پوست خواهان باقی می‌ماند. خواهان نتوانست اثبات کند که در صورت امکان استحمام در محل کار، قطعاً بدین بیماری مبتلا نمی‌شد (معیار «مگر با»)، با این وجود دادگاه حکم را به نفع خواهان صادر نمود، زیرا دادگاه با تکیه بر مصلحت اندیشی و عدالت محوری (Samuel, 2001, p. 221) بدین نتیجه رسید

که فراهم نبودن امکان استحمام پس از کار بی‌احتیاطی مسلمی است که از سوی کارفرما رخ داده و به صورت قابل توجهی ریسک وقوع خسارات را افزایش داده است (Cooke, op.cit. 161).

معیار دوم «مشارکت اساسی در وقوع خسارت» (Material Contribution): در مواردی که چند عامل در ورود خسارات به زیان دیده دخیل بوده اند اما مشارکت و دخالت یکی از عوامل در مقایسه با سایر عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، رابطه سببیت با عمل عاملی برقرار می‌شود که مهم‌ترین عامل محسوب گردد؛ بدین معنی که نقش آن بارزتر از سایر عوامل باشد. به عنوان مثال، در پرونده «ویلشر علیه اسکس...» (Wilsher v. Essex Area Health Authority [1988] 1 All ER 871) نوزادی سه ماهه بدلیل تولد زودرس می‌بایست در دستگاه اکسیژن مورد مراقبت و نگهداری قرار می‌گرفت. پزشکی که مسئولیت مراقبت از نوزاد را به عهده داشت، از روی بی‌احتیاطی، طی دو مرحله، اکسیژنی بیش از حد تعیین شده به نوزاد رساند و در نتیجه کودک بینایی هر دو چشم خود را از دست داد. والدین نوزاد دعوایی علیه پزشک مذکور و بیمارستان اقامه نمودند. شواهد پزشکی نشان می‌داد که ورود بیش از حد اکسیژن تنها یکی از چند عاملی بود که می‌توانست نابینایی نوزاد را در پی داشته باشد و نابینایی می‌توانست نتیجه پنج ضعف و بیماری دیگری هم که نوزاد بدانها مبتلا بود باشد. در نتیجه، دلیل قطعی بر اینکه میزان نامتعارف اکسیژن حادثه را ایجاد کرده وجود نداشت. در نهایت دادگاه بیان نمود که خواهان باید ثابت کند عمل پزشک عامل اصلی ورود خسارات بوده است و صرف اثبات اینکه (رسانیدن بیش از حد اکسیژن) احتمال وقوع خسارت را افزایش داده دلیلی برای صدور حکم به نفع خواهان نخواهد بود. والدین کودک نتوانستند معیار مورد نظر دادگاه را ثابت کنند و خواهان مسئول حادثه شناخته نشد (Elliott and Quinn, op.cit., 102; Owen, 2000, p. 43).

معیار سوم «دخالت عامل جدید» (Novus actus intervenient / nova causa intervenient): زمانی که یک عامل مرتکب تقصیری در ورود زیان گردیده اما عاملی دیگر پس از عامل اول در حادثه دخالت نموده باشد، باید گفت عامل دوم مانع از تأثیر گذاری عامل اول شده و خود مسئول خسارت است. به عبارت دیگر، عامل دوم زنجیره سببیت با عامل اول را از هم گسسته و مانع از آن شده که مسئولیت قابلیت انتساب به عامل اول را پیدا کند (Barker and Padfield, 1998, 209; Garner, 2009, "Intervening act"; Martin, 2013, "Intervening act"). به عنوان نمونه، در پرونده ی «تامپسون علیه بلیک-جیمز» (Blake-james [1998] v. Thompson)

Lloyd's Rep Med 187) پزشکی از روی بی احتیاطی به والدین کودک توصیه تزریق واکسن ننمود. با ابتلای کودک به سرخک (Measles)، والدین او دعوی علیه پزشک اقامه نمودند. از آنجا که والدین کودک به گفته‌های پزشک مذکور تکیه نکرده و به چند پزشک دیگر هم مراجعه نمودند، دعویشان علیه پزشک اول رد شد.

۲-۲-۲. اشتراک عوامل

در اشتراک عوامل، به حالاتی پرداخته می‌شود که در آنها دو یا چند عامل با مشارکت یکدیگر باعث ورود خسارت می‌شوند، به نحوی که هر کدام از آنها بخشی از بار ورود زیان را به عهده دارند و زیان وارده از مجموع اعمال آنان حاصل می‌گردد. بنابراین، در این مورد یک خسارت به بار آمده، اما هر عامل در ورود خسارت استقلال ندارد و مکمل عامل دیگر است.

۲-۲-۲-۱. ایران

در حقوق ایران در مواردی که چند عامل با همکاری یکدیگر باعث ورود خسارات شده باشند، حالات و معیارهای مختلفی در نظر گرفته شده است که در آنها مسبب یا مباشر بودن عامل و نحوه دخالت آنان دارای اهمیت است.

اشتراک مسبب و مباشر: زمانی که حادثه زیان‌بار در اثر فعل شخصی به عنوان مباشر، و فعل یا ترک فعل شخص دیگری به عنوان مسبب ایجاد شده باشد، طبق مواد ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت هر یک از مباشر و مسبب به میزان تأثیر آنان در حادثه خواهد بود؛ یعنی رابطه سببیت با هر یک از آنان به میزان تأثیر آنان در وقوع خسارت بستگی دارد. به عنوان مثال، زمانی که شخصی (مسبب) چاهی حفر می‌کند و دیگری (مباشر)، عابری را در آن چاه می‌افکند، نظر کارشناس مشخص می‌کند که میزان دخالت هر کدام و در نتیجه مسئولیت آنان به چه میزان خواهد بود. اما اگر مباشر در ورود خسارت بی اختیار، جاهل، مجنون و مانند اینها باشد، فقط مسبب حادثه مسئول شناخته می‌شود. بر این اساس، زمانی که شخصی بالغ و عاقل، کودک خردسالی را آموزش داده و بوسیله او صدماتی به دیگری وارد می‌نماید، تنها مسئول جبران خسارت همان شخص عاقل و بالغ است.

اشتراک دو یا چند مباشر: زمانی که دو یا چند مباشر مشترکاً باعث وقوع حادثه ای می‌گردند، با توجه به ماده ۵۲۷ قانون مجازات اسلامی مسئولیت آنان به میزان تأثیر آنها در وقوع حادثه خواهد بود زیرا رابطه سببیت با هر یک از آنان به میزان تأثیر آنها در حادثه بستگی

دارد. به عنوان مثال، هنگامیکه دو شخص با همکاری یکدیگر شیئی را از محلی پرتاب نموده و منجر به خسارت مالی یا جانی زیان دیده می‌شوند، نظر کارشناس، نقش و تأثیر آنان در حادثه و در نتیجه میزان مسئولیت آنان در پرداخت خسارات را معین خواهد کرد.

دخالت چند مسبب در عرض (همزمان): در موردی که چند مسبب با انجام فعلی، مشترکاً و با واسطه موجبات ورود خسارت را فراهم می‌آورند، با توجه به ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی در صورت اجتماع اسباب، صرف نظر از میزان تأثیر هر یک از آنان، جبران خسارت توسط آنان به طور مساوی صورت خواهد گرفت و به نظر می‌رسد علت صرف نظر کردن قانون‌گذار از تعیین تأثیر هر یک از عوامل در این حادثه، دشواری تشخیص دقیق تأثیر و نقش عواملی است که هر یک به طور غیر مستقیم در ورود خسارت دخالت داشته‌اند. به عنوان نمونه، زمانی که دو یا چند نفر با همکاری یکدیگر در معبر عمومی آتشی بیفروزند که بعداً با وزش باد به جای دیگری سرایت نموده و خساراتی به بار بیاورد، هر یک از آنان باید به طور مساوی در جبران خسارت پدید آمده شرکت نمایند. در این مورد قانون‌گذار، همان رویکردی را بکار نگرفته که در مورد «مسبب و مباشر اشتراکی» بکار گرفته است. زیرا تعیین میزان تأثیر دو مسببی (که به طور غیر مستقیم باعث ورود خسارت شده‌اند)، به مراتب دشوارتر از تعیین میزان تأثیر دو مباشر (که به طور مستقیم در وقوع حادثه نقش داشته‌اند) می‌باشد. از این رو قانون‌گذار در مورد اشتراک دو سبب، برای پیشگیری از کارشناسی و داوری سلیقه‌ای راهکار متفاوتی را بکار بسته است.

دخالت چند مسبب در طول (متعاقب): زمانی که هر یک از دو یا چند مسبب دخیل در حادثه زیان‌بار، مرتکب فعل یا ترک فعلی می‌شوند که یکی پس از دیگری زمینه ساز حادثه شده و در نهایت منجر به حادثه‌ای واحد می‌گردد، به حکم ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی، مسئولیت به مسببی انتساب می‌یابد که مقدم در تأثیر بوده است (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۹۰). به عنوان مثال، در موردی که شخصی گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد، کسی که سنگ را گذاشته مسئول است. در این رابطه نمی‌توان به حکم ماده ۵۳۶ ق.م.ا. استناد کرد زیرا در ماده مذکور، تنها یک نفر مرتکب تقصیر شده است و نفر دیگر که دست به عملی مجاز زده را نمی‌توان از اسباب دخیل در حادثه دانست.

۲-۲-۲. انگلستان

به نظر می‌رسد در حقوق انگلستان رویکردهای متفاوتی وجود ندارد و زمانی که زیان وارده

حاصل عملکرد جمعی عاملان ورود زیان باشد، مسئولیت هر عامل به میزان تأثیر او در وقوع خسارت بستگی خواهد داشت. البته تعیین میزان دقیق دخالت یا تأثیر هر عامل در ورود حوادث همیشه به سادگی صورت نمی‌پذیرد (Cooke, op.cit., 170). به عنوان مثال، می‌توان به دعوای «فیتز جرالده علیه لین» (Fitzgerald v. Lane (1987)) اشاره کرد. در این دعوا خسارات وارده ناشی از بی‌احتیاطی خواهان و خواندگان دعوا بود. یعنی صدمات وارده ناشی از اشتراک عمل خواهان با دو خوانده بود. بنابراین، دادگاه نیمی از مسئولیت را به عهده خواننده دعوی و نیم دیگر را به عهده خواندگان دعوی قرار داد. (Elliott and Quinn, op.cit., p.370).

البته در مواردی که نقش یک عامل در وقوع خسارت به حدی است که می‌توان گفت عامل دوم تحت تأثیر عامل اول و به تبع آن باعث ورود زیان شده، مسئولیت جبران خسارت به عهده عامل اصلی یا عاملی که زمینه ساز دخالت عامل دیگر بوده است. به عنوان نمونه، در «کُر علیه آی بی سی ویکلز» (Corr v. IBC vehicles Ltd. [2008] 2 All ER 943) شوهر خواهان در اثر تصادفی هولناک دچار اختلالات روانی شد و در نتیجه ۶ ماه بعد دست به خودکشی زد. دادگاه خواننده را مسئول مرگ شخص مذکور شناخت و استدلال خواننده مبنی بر این که خودکشی عملی ارادی است که رابطه سببیت بین تصادف و مرگ خواهان را قطع نموده را نپذیرفت، زیرا خودکشی را نتیجه افسردگی ناشی از تصادف دانست.

۲-۲-۳. تأثیر جداگانه عوامل

در این حالت، هر عامل دخیل در حادثه، خسارت جداگانه‌ای را به زیان دیده وارد می‌نماید. بنابراین، بر خلاف مواردی که در استقلال عوامل مطرح می‌شود، چند زیان (نه یک زیان) ایجاد شده که هر زیان متناسب به یک عامل جداگانه است.

۲-۳-۱. ایران

در مواردی که چند عامل چند تأثیر جداگانه بر زیان دیده می‌نهند، رابطه سببیت بین هر عامل با خسارتی که خود او وارد نموده است برقرار می‌شود.

دخالت مسبب و مباشر با تأثیر جداگانه: زمانی که هر یک از مسبب و مباشر، خسارت جداگانه‌ای را به یک زیان دیده وارد می‌نمایند، هر عامل مسئول عواقب عمل خویش شناخته می‌شود. از این رو در حادثه‌ای که مسبب ایجاد نموده، رابطه سببیت تنها با عمل خود او برقرار است و در حادثه‌ای که مباشر دخالت داشته، خود او مسئول جبران می‌شود، زیرا حادثه زیان‌بار

از اجتماع واقعی مسبب و مباشر حاصل نشده است که بتوان مسئولیت جبران مجموع خسارات را مشترکاً به دو عامل منتسب دانست و مجموع خسارات را بین آنان تقسیم نمود. البته اگر محاسبه میزان خسارت وارده توسط طرفین ممکن نباشد، هر یک از آنان نیمی از مجموع خسارات را خواهند پرداخت (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۸۹). برای نمونه، اگر شخصی به عنوان مباشر صدمه‌ای به دیگری وارد نماید و شخص دیگری به عنوان مسبب در حین انتقال زیان دیده به بیمارستان باعث وخامت وضع زیان دیده شود، مباشر مسئول خسارات ناشی از ضربه خواهد بود و مسبب مسئول میزان افزایش یافته صدمات. اما اگر محاسبه دقیق صدماتی که هر یک وارد نموده اند ممکن نباشد، مجموع خسارات بین آن دو تقسیم می‌شود.

باید بین تقسیم خسارت و انتساب مسئولیت (یا رابطه سببیت) تفکیک قائل شد و از این نکته غافل نشد که تقسیم خسارت به‌طور مساوی، به معنای نقش مساوی طرفین در وقوع حادثه و مسئولیت برابر آنان نیست. بلکه عدم امکان تعیین میزان صدمات باعث می‌شود وارد کنندگان زیان را به‌طور مساوی در جبران خسارت شریک بدانیم نه اینکه مسئولیت آنان را برابر و مساوی بدانیم.

دخالت چند مباشر با تأثیر جداگانه: زمانی که هر کدام از دو یا چند مباشر با انجام فعلی خسارتی جداگانه به یک زیان دیده واحد وارد نمایند و حوادث ایجاد شده توسط عوامل مذکور ارتباطی با یکدیگر نداشته باشد، در این حالت، صرف نظر از اینکه حوادث به صورت همزمان یا متعاقب یکدیگر واقع شده باشند، بین خسارات وارده توسط هر مباشر، با عمل خود او رابطه سببیت برقرار می‌شود (عباسلو، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵). به عنوان مثال، زمانی که یک وسیله نقلیه با عابری برخورد نماید و عابر مذکور را در مسیر عبور دیگران در محلی که از نظر موقعیت مکانی دارای دید و قابلیت رویت باشد قرار دهد و سپس وسیله نقلیه بعدی خسارت دیگری به عابر وارد نماید، هر مباشر، مسئول خسارتی که خود وارد نموده، است. با این وجود، اگر نتوان میزان دقیق خساراتی که هر یک وارد نموده را تعیین کرد، مباشران باید به‌طور مساوی خسارت وارده به زیان دیده را جبران نمایند. این حالت را نباید با سبب مجمل یکی دانست، زیرا در سبب مجمل تنها یک عامل سبب ورود یک خسارت شده اما تعیین آن عامل ناممکن است، حال آنکه در اینجا چند عامل در ورود چند خسارت مستقل نقش دارند.

می‌نمایند، هر عامل مسئول خساراتی است که خود وارد نموده است. با این حال، چنانچه به دلایلی چون پیچیدگی عوامل دخیل در حادثه زیان‌بار یا پیچیدگی علمی نتوان انتساب دقیق هر حادثه به عامل ورود زیان را تعیین نمود، می‌بایست عوامل دخیل را به‌طور مساوی در زیان‌های وارده سهیم دانست. همان‌طور که مشاهده شد به نظر می‌رسد در این مورد همان تفکیکی که بین «تقسیم مسئولیت» و «انتساب مسئولیت» در حقوق ایران مطرح می‌شود در حقوق انگلستان نیز وجود دارد. به عنوان نمونه، در پرونده ی «فیتز جرالده علیه لین» (*Fitzgerald v. Lane* [1987] QB 781) خواهان با شتاب، و در حالی که چراغ عبور عابر پیاده قرمز بود، پا به یک جاده شلوغ گذاشت و با برخورد اتوموبیل در حال حرکت به سمت دیگر جاده پرتاب شد و سپس اتوموبیل دیگری با او برخورد نمود و صدمات دیگری به او وارد گردید. از آن جا که مشخص نبود هر خواننده دقیقاً چقدر در صدمات وارده نقش داشته است، دادگاه حکم به تساوی مسئولیت خوانندگان داد (Owen, op.cit., p. 42).

۲-۲-۴ یافته‌ها

یک تفاوت مهم بین حقوق ایران و انگلستان وجود دارد و آن تفکیکی که در حقوق ایران بین نوع دخالت (مستقیم یا غیر مستقیم) عوامل در ورود خسارت وجود دارد. با این حال، دیدگاه‌های دو کشور در مورد حالات مختلف دخالت در ورود خسارت چندان دور از هم نیست و می‌توان سه حالت استقلال، اشتراک و تأثیر جداگانه را برای هر دو کشور مطرح نمود: زمانی که دو یا چند عامل به‌طور مستقل باعث ورود خسارت شوند، حقوق دو کشور راهکارهای متفاوتی را در پیش گرفته است: حقوق ایران در هر صورت بر مسئولیت تضامنی عوامل تأکید دارد و حقوق انگلستان بسته به اوضاع و احوال موجود ممکن است معیارهای مختلفی را بکار ببندد. اما در مورد اشتراک عوامل، قاعده کلی در هر دو کشور تعیین مسئولیت به نسبت تأثیر است مگر زمانی که یک عامل، عامل دیگر را، تحت تأثیر و سلطه خود، به دخالت در حادثه واداشته باشد که در این صورت هر دو کشور عامل اصلی و زمینه ساز را مسئول شناخته و رابطه سببیت را با او برقرار می‌دانند. با این وجود، حقوق ایران در بررسی اشتراک عوامل یک تفاوت جزئی با حقوق انگلستان دارد، زمانی که چند مسبب یکی پس از دیگری در حادثه دخالت نموده باشند، عاملی مسئول شناخته می‌شود که تأثیر آن پیش از دیگری بوده باشد. در مواردی که عوامل مختلف تأثیرات جداگانه‌ای بر یک زیان دیده می‌گذارند، حقوق هر دو کشور هر عمل را سبب حادثه‌ای می‌داند که خود وارد نموده است.

با این وجود، اگر تفکیک زیان‌ها ممکن نباشد، هر دو کشور مسئولیت مساوی واردکنندگان زیان در جبران خسارات را منطقی می‌دانند.

۳- سببیت و مسئول مردد (یا مجمل)

گاه تنها یک عامل باعث ورود زیان شده است، اما شرایط اوضاع و احوال به صورتی است که نمی‌توان عامل مسئول را از میان چند عامل دیگر تشخیص داد. به بیان دیگر، سبب واقعی بین عوامل احتمالی مردد و مستتر است. این حالت که مورد توجه خاص هر دو خانواده حقوقی کامن‌لا و سیویل‌لا بوده است (Richard W. Wright, Proving Causation: Probability Versus Belief, p. 2)، در ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. حقوق ایران

بسیاری از اساتید و حقوق‌دانان ایران بر این عقیده اند که شناخت مسئول حادثه در این موارد تنها از طریق قرعه صورت می‌پذیرد. ایشان این راه حل را سازگار با مبانی حقوقی ایران دانسته و در تأیید اندیشه خود به قسمت پایانی مواد ۵۹۸ قانون مدنی اشاره می‌کنند. این گروه از حقوق‌دانان بر این عقیده‌اند که توسل به قرعه قاعده‌ای عام است که هر جا دلیلی برای ترجیح یک عامل بر دیگری نباشد می‌توان از آن بهره برد (صفایی، رحیمی، پیشین، ۲۸۱؛ قاسم زاده، پیشین، ص ۹۴؛ بهرامی احمدی، پیشین، ۱۱؛ بساریکلو، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴). برخی دیگر از اندیشمندان حقوق ایران نیز مسئولیت تضامنی تمامی عوامل دخیل در حادثه زیان‌بار را عادلانه می‌دانند (کاتوزیان، پیشین، ص ۴۴۵).

اما نظر دیگری نیز قابل طرح است. بر طبق این نظر، نمی‌توان در مواردی که سبب مسئول بین عوامل غیر مقصر دیگر پنهان و غیر قابل کشف است، مسئولیت تضامنی را مورد پذیرش قرار داد، زیرا در حقوق ایران توسل به مسئولیت تضامنی استثنایی و نیازمند تصریح است و در موارد سکوت قانون در مورد نوع مسئولیت باید بجای مسئولیت تضامنی، «تقسیم مسئولیت» را معیار قرار داد (عباسلو، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). در تقسیم مسئولیت نیز با توجه به اینکه نحوه دخالت هر یک از عوامل مشخص نیست، نمی‌توان تقسیم بر مبنای میزان تأثیر را اعمال نمود. از اینرو باید تقسیم مسئولیت به‌طور مساوی را پذیرفت. از طرف دیگر، توسل به قرعه نیز با توجه به استثنایی بودن آن قابل پذیرش نخواهد بود زیرا در قوانین تنها در چند مورد خاص من جمله

ماده ۱۵۷ ق. م به قرعه اشاره شده است که باعث می‌شود قرعه نه یک اصل، بلکه یک استثنا باشد و نتوان این استثناء را تعمیم داد. بنابراین، در مورد مردد بودن عامل مسئول، باید برابری مسئولیت عوامل دخیل را پذیرفت.

۲-۳ حقوق انگلستان

در این مورد شناخت و تعیین دقیق شخص مسئول با بکارگیری هیچ کدام از معیارهای پیشین امکان‌پذیر نیست اما بدون شک عامل مقصر میان دو یا چند عامل مطروحه مستتر است؛ بدین معنی که تردیدی نیست که یکی از چند عامل مورد نظر مقصر واقعی است اما به دلیل پیچیدگی، ابهام، یا تخصصی بودن موضوع شناخت آن ممکن نیست. در این زمینه دادگاه‌های آمریکا در مواردی که خسارات وارده تنها از سوی یک عامل ایجاد شده است و اولاً: تعداد مرتکبین خطای مدنی محدود است، ثانیاً تمامی مرتکبین به دادگاه فرخوانده شده‌اند، ثالثاً: امکان تشخیص سبب اصلی وجود ندارد، مسئولیت تضامنی (jointly and severally) را پذیرفته‌اند (Stapleton, opcit., 467) برای بررسی بهتر موضوع در حقوق انگلستان لازم است به رأی بحث برانگیز در این زمینه اشاره شود.

پرونده «فیرچایلد علیه گلنهاون ...» (Fairchild v. Glenhaven Funeral services Ltd [2002] 3 All ER 305) مربوط به کارگرانی (خواهان‌ها) بود که در حین کار در یک کارخانه در معرض موادی سمی و خطرناک قرار گرفتند. این امر باعث شد فیبر خاصی از ماده مذکور وارد ریه آنها شده و با رو به وخامت نهادن تبدیل به تومور و در نهایت مرگ برخی از کارگران گردد (بیماری مسوتلیوما [Mesothelioma]). در این بیماری برخلاف بیماری آسبستوسیس (Asbestosis)، فیبر مذکور، صرفاً با یک بار قرار گرفتن در معرض مواد سمی، وارد ریه شده و بیشتر یا کمتر بودن زمانی که فرد در معرض مواد سمی است تأثیری بر وخامت بیماری نخواهد داشت؛ بدین معنی که در هر صورت تنها یکی از کارخانه‌هایی که کارگران در آنان مشغول به کار بوده‌اند مسئول ورود فیبر و ابتلا به بیماری بود، اما کارخانه مذکور میان چند کارخانه دیگر مردد بود و تشخیص آن امکان نداشت.

دادگاه عالی انگلستان با توجه به وقایع موجود مقرر داشت که خواهان‌ها باید ثابت کنند کدام فیبر در زمان کار با کدام کارفرما وارد ریه آنها شده و تنها در این صورت است که مسئول اصلی خسارات وارده شناخته خواهد شد. از آنجا که پدیدار شدن آثار بیماری ممکن است حتی ده سال زمان ببرد و در این حین کارگران برای کارخانه‌های مختلفی فعالیت نموده

باشند، عملاً اثبات آنچه دادگاه لازم دانسته بود امکان پذیر به نظر نمی‌رسید. پس از صدور رأی توسط دادگاه عالی، پرونده به مجلس اعیان انگلستان ارجاع داده شد و طبق نظر این مقام، مسئولیت خواندگان در برابر کارگران، مسئولیتی تضامنی شناخته شد. با این حال، کمی بعد، این روش محدودیت‌هایی به خود دید. در دعوی که در سال ۲۰۰۶ میلادی مطرح شد (Barker v. Corus UK Ltd [2006] 3 All ER 785)، مجلس اعیان انگلستان یک گام به عقب برداشت و نسی بودن مسئولیت خواندگان را جایگزین مسئولیت تضامنی آنان نمود. بدون شک این امر به سود شرکت‌های بیمه بود زیرا در طول سال‌هایی که بیماری بصورتی نهان وجود داشت، تا زمان بروز آن، بسیاری از شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که خواهان در آنان اشتغال داشته و رشکسته یا منحل شده و در نتیجه عملاً از گردونه خواندگان خارج می‌باشند (Elliott and Quinn, op.cit., 107). سرانجام «قانون غرامات» ۲۰۰۶ (Compensation Act 2006) به بحث‌ها پایان داد و در ماده ۳ خود مسئولیت تضامنی خواندگان مطرح نمود. این در حالی است که دادگاه‌های استرالیا بر خلاف انگلستان، روشی منسجم را در مورد سببیت در دعاوی مربوط به «مسوتلیوما» در پیش نگرفته‌اند (Stapleton, op.cit., 355).

لازم به ذکر است، نباید سبب مجمل را با «استقلال عوامل»، در حالتی که قابلیت تعیین مسئول وجود دارد، خلط نمود. زیرا در سبب مجمل تنها یکی از عوامل موجود یک خسارت را به خواهان وارد نموده که میزان خسارت قابل محاسبه است اما امکان شناسایی سبب اصلی ورود حادثه وجود ندارد. این در حالیست که در بحث «استقلال عوامل» که یک خسارت به خواهان وارد شده است، امکان تشخیص عاملی که بین عمل او و زیان وارده رابطه سببیت برقرار است وجود دارد.

۳-۳ یافته‌ها

همان‌طور که مشاهده می‌شود، دیدگاه برخی از حقوق‌دانان ایران با دیدگاه غالب در انگلستان یکی است و مسئولیت کامل هر یک از عوامل را منطبق و سازگار با عدالت می‌داند. با این حال، دیدگاه مورد تایید نویسندگان این مقاله (که بر تساوی مسئولیت عوامل تاکید دارد)، متفاوت با دیدگاه رایج در انگلستان می‌باشد.

۴- نتیجه

مقاله پیش رو اثری توصیفی-تحلیلی که به روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر کتب و مقالات

حقوقی فارسی و انگلیسی به رشته تحریر در آمده است. در روند نگارش این مقاله به قوانین عام و خاص ایران بویژه قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی و همچنین آراء دادگاه‌های انگلستان و بویژه دادگاه تجدید نظر و مجلس اعیان این کشور رجوع شده است.

بطور کلی، در حقوق ایران تلاش بر آن است که، با تکیه بر متن قانون و وضع قواعد روشن و ثابت، تا حد ممکن از دشواری‌های موجود بر سر راه تبیین سببیت کاسته شود و از تشتت آراء در این زمینه پیشگیری به عمل آید. حقوق مسئولیت مدنی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این رویکرد، انسجام و طرح قواعد کلی در اولویت قرار دارد و توجه به اوضاع و احوال خاص هر دعوی از اهمیت کمتری برخوردار است. این در حالی است که در حقوق انگلستان، هر چند گاه ایجاد قواعدی کم و بیش ثابت در دستور کار قرار می‌گیرد، اما تمرکز بیشتر بر تبیین خطاهای مدنی مستقل و توجه به شرایط خاص هر دعواست تا بدین طریق بتوان رای صادره را بر عدالت و مصلحت استوار نمود. با این وجود، بر خلاف آنچه تصور می‌شد، تفاوت‌های دو کشور در راهکارهایی حقوقی که برای تبیین سببیت و مفهوم آن بکار می‌گیرند، کمتر از شباهت‌های آنان است؛ به گونه‌ای که از بررسی‌های فوق مشخص شد در مورد «مسئول مجمل» و «دخالت یک عامل» تفاوت بین نظام‌های قانونی دو کشور بسیار اندک است و در مورد «دخالت چند عامل» نیز نقاط اشتراک کمی وجود ندارد. بنابراین، اگرچه حقوق ایران نگاه کلی و حقوق انگلستان نگاه موردی را در اولویت قرار می‌دهند، اما حقوق دو کشور در نتایج حاصله فاصله چندانی از هم نگرفته است.

در پایان، باید گفت بدلیل مشابهت‌های قابل توجهی که در حقوق دو کشور وجود دارد، می‌توان حقوق انگلستان و راهکارهای آن را الگویی برای حقوق ایران قرار داد تا قضاات ایران بتوانند در مواردی که راهکاری در حقوق ایران ارائه نشده یا راهکارهای موجود با شرایط دعوی سازگار به نظر نمی‌رسد، از معیارهای مطروحه در حقوق انگلستان بهره ببرند، تا احکام صادره در این موارد با عدالت و اوضاع و احوال حاکم، انطباق بیشتری پیدا کند.



منابع

فارسی

- امامی، سید حسن، (۱۳۹۱)، حقوق مدنی، جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران: اسلامیه
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، (۱۳۸۵)، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ سوم، تهران:

میزان

- باریکلو، علیرضا، (۱۳۹۲)، مسوولیت مدنی، چاپ چهارم، تهران: میزان
- بهرامی احمدی، حمید، (۱۳۹۰)، مسوولیت مدنی، چاپ دوم، تهران: میزان
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۱)، محشی قانون مدنی، چاپ چهارم، تهران: گنج

دانش

- حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۸۹)، مسوولیت مدنی، چاپ اول، تهران: مجد
- داراب پور، مهرباب، (۱۳۷۷)، قاعده مقابله با خسارت، چاپ اول، تهران: گنج دانش
- داراب پور، مهرباب، (۱۳۹۰)، مسوولیت های خارج از قرارداد، چاپ دوم، تهران: مجد
- صفایی، سید حسین و حبیب الله رحیمی، (۱۳۹۲)، مسوولیت مدنی، چاپ پنجم، تهران:

سمت

- عباسلو، بختیار، (۱۳۹۰)، مسوولیت مدنی، چاپ اول، تهران: میزان
- قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۹۰)، مسوولیت مدنی، چاپ نهم، تهران: میزان
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، الزام های خارج از قرارداد، جلد اول، چاپ هشتم، تهران:

انتشارات دانشگاه تهران

- یزدانیان، علیرضا، (۱۳۸۷)، قلمرو مسوولیت مدنی، چاپ اول، تهران: ادبستان
- عباسلو، بختیار، (۱۳۸۹)، «تقسیم مسئولیت مدنی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۰-۸، تابستان- زمستان ۱۳۸۹، صفحات ۲۰۵-۱۸۷
- میرشکاری، عباس، (۱۳۸۹)، «بررسی مفهومی و مصداقی سبب و شرط در حقوق مدنی ایران»، مجله کانون، بهمن ۱۳۸۹، شماره ۱۱۳، صفحات ۱۰۰-۷۸

انگلیسی

A: Books

- Barker, David & Colin Padfield, Law Made Simple, tenth edn., Oxford, Made Simple Books, 1998



- Cane, Peter, *Atiyah's Accidents, Compensation and the Law*, eighth edn., Cambridge, Cambridge University Press, 2013
- Cooke, John, *Law of Tort*, ninth revised edn., London, Longman, 2010
- Elliot, Catherine & Frances Quinn, *Tort Law*, seventh edn., London, Longman, 2009
- Garner, Bryan A., *Black's Dictionary of Law*, ninth edn., New York, West, 2009
- Harpwood, Vivienne, *Modern Tort Law*, seventh edn., New York: Routledge- Cavendish, 2009
- Martin, Elizabeth A., *Oxford Dictionary of Law*, seventh edn, Oxford, Oxford University Press, 2013
- Owen, Richard, *Essential Tort Law*, 3rd. edn., London, Routledge- Cavendish, 2000
- Samuel, Geoffrey, *Law of Obligation and Legal Remedies*, second edn., London, Cavendish, 2001
- Stephenson, Graham, *Sourcebook on Torts*, Second edn., London, Cavendish, 2000

B: Articles

- Collins, Lynda Margaret, *Causation, Contribution and Clements: Revisiting the Material Contribution Test in Canadian Tort Law* (August 20, 2011). *Tort Law Review*, Vol. 19, pp. 86-93, 2011. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1913290>
- Crowne, Emir and Ha-Redeye, Omar, *Clements v. Clements: A Material Contribution to the Jurisprudence - The Supreme Court of Canada Clarifies the Law of Causation* (November 19, 2012). *University of Western Ontario Journal of Legal Studies*, Vol. 2, No. 2 (2012). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2097881> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2097881>
- Halbersberg, Yoed, *Toward a New Paradigm for Multiple-Victim Torts: The Problem of Victims Heterogeneity* (February 3, 2013). Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1264464> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1264464>
- Hansen, Robin F., *Fullowka v. Pinkerton's of Canada Ltd. and the Material-Contribution Test for Factual Causation in Negligence* (May 13, 2011). *Alberta Law Review*, Vol. 48, No. 3, pp. 771-782, 2011. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1840626>
- Hylton, Keith N., *Causation in Tort Law: A Reconsideration* (July 23, 2013). *Research Handbook on the Economics Of Torts*, (Jennifer Arlen, ed.,

Edward Elgar Publishing, 2013), Forthcoming; Boston Univ. School of Law, Law and Economics Research Paper No. 13-30; Boston Univ. School of Law, Public Law Research Paper No. 13-30. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2297543>

- Hylton, Keith N. and Lin, Haizhen, Negligence, Causation, and Incentives for Care (April 30, 2013). Boston Univ. School of Law Working Paper No. 11-15. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1793973> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1793973>

- Knutsen, Erik S., Clarifying Causation in Tort (August 13, 2009). Dalhousie Law Journal, Vol. 33, No. 1, p. 153-188, Spring 2010. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1448828>

- Meier, Luke, Using Tort Law to Understand the Causation Prong of Standing (March 27, 2011). Fordham Law Review, Vol. 80, No. 101., pp. 101-159 Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1639598>

- Stapleton, Jane, Factual Causation (February 7, 2011). Federal Law Review, Vol. 38, No. 3, pp. 467-484, 2010. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1757302>

- Stapleton, Jane, Factual Causation and Asbestos Cancers. Law Quarterly Review, Vol. 126, pp. 351-356, 2010. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1650986>

- Wright, Richard W., Proving Causation: Probability Versus Belief (July 1, 2011). PERSPECTIVES ON CAUSATION, Ch. 10, R. Goldberg, ed., Hart Publishing, 2011. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1918474>

